

بر فراز قله ی عرفان

<?xml encoding="UTF-8?">

روز نهم ذیحجه به عرفات برو و در آنجا توقف کن. وقوف! اما نه می گویم وقوف در عرفات. وقوف در اینجا رکود و در جا زدن یست بلکه تحرک و نشاط است. وقوف در عرفات بمنزله شناخت و عرفان انسان به معارف الهی است (1). بدان! خداوند به نیازهای تو واقف است و هم اوست توانا بر نیازهایت. خود را به او بسپار و بنده او باش. اما "عرفات" سخن از شناخت است.

عرفات، عرفات است که معرفت بین آدم و حوا در این مکان صورت گرفت و آدم به گناه اعتراف کرد. (2) ابراهیم ندای "عرفت، عرفت" سر داد. (3) عرفات سرزمین اشک و دعاست (4). عرفات سرزمینی است که خداوند بخاطر اشکها و دعاها زائران به فرشتگان مباحثات می ورزد. سرزمینی که گناهان در آن بخشیده می شوند (5). سرزمینی که خیال بخشیده نشدن در آن، خود گناه بزرگی است (6). حتی کسانی که هنوز متولد نشده اند، امید است مورد لطف قرار گیرند. (7)

عرفات سرزمینی است که به عرصات قیامت ماند که خلائق همه جمعند و هرکس به دعا مشغول، و در انتظار رد و قبول. بیرون دروازه اند. می خواهند نزد مولایشان حضور یابند. ابتدا باید پشت در بایستند تا اجازه ورود بگیرند. باید بنالند تا به حرم (مشعر) راه یابند چقدر بنالند؟ چگونه بنالند؟... تا نالند به حرم راه نیابند آنگاه که پاک شوند، وارد حرم شوند. خانه خدا پاک است و مهمان پاک می پذیرد (8). پس دعا کنند. روز نهم ذیحجه روز دعاست. انسان جز دعا مالک چیزی نیست نه تنها مالک مال نیست بلکه مالک اجزاء و جوارحش نمی باشد. ما جز تفرع مالک چیزی نیستیم. سلاحی نداریم. دشمن درون ما تنها با اشک رام می شود. و "سلاحه البكاء" (9). یا از ترس جهنم می نالد یا گریه شوق دارد که چرا به بهشتش نرسیده، چرا از هجرانش نالد؟ عرفات سرزمینی است که بهترین مردان خدا در آن توقف کرده، دعاها و اشک ها و در هر سوی این دشت رد و پای مهدی است. (11)

عرفات با اشکهای مقدس سید الشهداء ابا عبدالله الحسین «علیه السلام» در روز عرفه به هنگامه خواندن دعای ندبه متبرک تر شد. امام! در این دشت چه خواندی؟ که هنوز دشت، از نام تو عرفان دارد. شب از یاد تو عطرآگین است. آسمان رنگ خدایی دارد. سنگهای جبل الرحمه همه نالانند. سرزمین، سرزمین شهادت، معرفت و عرفان است (12). می داند چه کسی بر روی آن گام می نهد. چرا آمده؟ چگونه بر می گردد؟ ای حسین «علیه السلام» ای مرد عرفان و سلاح در دعای عرفه چه گفتی که حاجیان همه گریانند؟

صحرای عرفات کلاس شناخت و خودسازی امام حسین «علیه السلام» است. روز عرفه همراه شاگردان وفادارشان در این پایگاه مقدس درنگی بس شگرف کردند و روی به دامن کوه رحمت نهادند و در سمت چپ کوه در برابر کعبه کلاس صحرایی تشکیل دادند. موضوع آن شناخت و سازندگی بود. روز، روز عرفه بود. دستهای مبارکشان را روبروی صورتشان به دعا بلند کردند و مشغول دعا شدند. (13) دعایی بسیار طولانی، با محتوایی عاشقانه!

پروردگارا! اگر همه واقفان چنین دعایی را از جان و دل بر زبان آورند، عظمت و قدرت حضرت حق باری تعالی را با جمال و جلال و شکوه و همه اوصافش باز یابند تا شوق دیدار حق در آنان پدید آید. خدا را با معاینه دل از رهگذار

این دعا بخوبی می توان رؤیت کرد. پروردگاری که صنعت هیچ صنعتگری به پایش نرسد. بخشنده بیدریغ است. بر رازها آگاه است. پاداش دهنده نیکی هاست. فرستنده رحمت بر اشکهای درگاهش، سامع ندای دردمندان، رافع درد دردمندان و قانع گردنکشان است. آنهم در بیابان عرفات در فضایی باز و رهیده از هرگونه عوامل دنیایی در چنین جوی آفریدگار جهان هستی را بوسیله خود او می توان شناخت. در بخشی از دعای عرفه، حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» با بیانی بسیار جالب "برهان صدیقین" را به ما ارائه می فرمایند. در بخشی از دعای شریفه عرفه آمده است "الهی ترددی فی الآثار یوجب بعد المزار، فاجمعنی علیک بخدمۃ توصلنی الیک... و خسرت صفقه عبد لم تجعل له من حبک نصیباً". بار خدایا اگر توجه خود را در بررسی آثار و قدرت و دست آوردهای صنع تو معطوف می سازم و آنها را تحت مطالعه و مذاقه قرار می دهم تا تو را شناسایی کنم، باعث می شود راه برای وصول به تو و دیدار تو دور و دراز گردد. خدایا! ای محبوب و مطلوب من! اگر خویشتن را برای شناخت تو در آثار و دست آوردهای متکثر و آیات متنوع تو سرگرم سازم و در لابلای شاخه های به هر سو کشیده آثارت به این سوی و آنسوی کشانده می شوم موجب می شود از مؤثر، یعنی تویی که اینهمه آثار را پدید آوردی به گونه ای ناخوشایند دور و بیگانه شوم. این کار چنان است که واقعیت مشهود تو را رها کنم و برای جستجو و یافتن تو به سراغ و نشان و آثارت به تکاپو برآیم. در میان فضایی از گمانها و احتمالات سرگردانم و راه فراسوی من در رسیدن به محبوبم مسدود شده. چرا که وقتی دست آوردهای جالب و شگفت انگیز آفریدگار در دسترس احساس و تفکر منی قرار گیرد سزا نیست نردبان احساس و اندیشه را هدف قرار داده و بالا و پایین روم تا فقط به نظم و ترتیب و کیفیت ترکیب این آفریده ها نیروی فکر خود را محدود، و اندیشه خود را در ماهیت آن راکد سازم؛ بلکه باید از این نردبان فراتر رفته تا آورنده و سازنده آن را شناسایی کنم و دل به محبت کسی ببندم که آنها را آفریده و لباس زندگی بر اندامشان پوشانده و به گونه این حقیقت را دریابم که چهره حق را با گستره فراگیرش در تمام آفاق علی رغم کثرات اختلاف صور و نگاره های آثارش کشف و شهود نمایم. " فاجمعنی علیک بخدمۃ توصلنی الیک " ؛ " مرا در حضور خویش به خدمتی فرمان ده که راه وصول به تو را بر من هموار سازد. " کیف یستدل علیک بما هو فی وجوده مفتقر الیک؛ " چگونه می توان به چیزی که به آثاری که در وجود خود به تو نیازمند است بر وجود تو استدلال کرد؟ " وجود تو دلیل بر هستی تو است. یا من دل علی بذاته ؛ وجود حق باری تعالی پدیدارترین وجود در عالم هستی است ؛ چرا که آن حضرت به خدا عرض می کنند: "ایکون لغیرک من الظهور ما لیس لک حتی یکون هو المظهر لک " ؛ " آیا غیر تو (یعنی آثارت) دارای آنچنان ظهوری است که در تو چنان ظهوری نباشد تا بخواهد ظهور تو را وانمود کند؟ " (14) خدایا! در قرآن فرمودی: سراسر عالم نشانه های توحیدند، برخی از نشانه ها آیات آفاقی اند برخی آیات انفس. ولی مرا به نشانه ها حواله نده. پروردگارا! اگر ما را به آثار ارجاع دهی مسیرمان طولانی می شود "یوجب بعد المزار" من اگر بخواهم از نشانه ها تا به ذی نشان برسم طول می کشد. خودت را به من نشان بده، این نشانه ها توان آن را ندارند که تو را بطور کامل نشان دهند، حتی سرزمین مکه که فرمودی "فیه آیات بینات" هیچ کدام آنها ظهوری را ندارند که تو را نشان دهند. خدایا تو که نورالسموات و الارضی، تو که از نشانه به من نزدیکتری، تو که از هر نشانه ای نشانه تری، چرا مرا به نشانه ها ارجاع می دهی؟ "متی غبت حتی نحتاج الی دلیل یدل علیک ؛" پروردگارا! کی غایب شدی تا من برای اثبات وجود تو استدلال کنم. استدلال برای پی بردن از نشانه به غایب است، تو که غیبت نکرده ای، نیازی به دلیل و برهان نداری که من از آیات پی به تو برم یعنی تو خود فرمودی: "اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید" (15). کی و در چه زمانی از تیر رس رؤیت دل پنهان بودی تا به دلیلی نیاز باشد که به تو رهنمون گردد؟ پروردگارا! چنان ظاهر و

آشکاری که هیچ چیزی پدیدارتر و روشن تر از تو نیست. نیازی نداریم که از رهگذر استدلال به آثار، تو را شناسایی کنیم. "و نحن اقرب الیه من حبل الوريد" (16) خدایا! خداوند! "تو کی و در چه برهه ای از زمان از ما دور بودی که آثار تو را مانند نابینایی، عصای خود قرار داده تا به مدد عصاکش آثار صنع به تو دست یابیم" و متی بعدت حتی تکون الاثار هی التی توصل الیک، عمیت عین لا تراک علیها رقیبا؛ "آن دیدگانی که تو را مراقب خود نمی بیند کور باد" و "و خسرت صفقه عبد لم تجعل له من حبک نصیبا"؛ "خسران و زیان معامله و سوداگری، بنده ای را است که تو از حب خویش نصیبی برای او مقرر نفرمودی" آری این دل است که بینایی را از دست می دهد هرچند که چشم سر انسان بسان چهارپایان و دامها از کار نیفتاده است "ولهم اعین لا یبصرون بها اولئک کالانعام"؛ اینان را دیدگانی است که با رؤیت و دیدن، درون و جانیشان بسان "شر الدواب" انعکاس و انعطافی در رؤیت حق پدید نمی آید: "ان شر الدواب الصم البکم الذین لا یعقلون"؛ دیدگان آنها کور نیست؛ بلکه کوردلانی بیش نیستند؛ زیرا "فانها لا تعمی الابصار ولكن تعمی القلوب التی فی الصدور". که حق را علی رغم اینکه هیچ چیز از آن آشکارتر نیست شهود نمی کنند، احیانا از دامها فروتر و گمراه تر نیستند. این دلها مشغول هوس است و از کار می افتد. انسان با خدا در عالم "ذر" بیعت، صفقتی و معامله و مبادله ای را منعقد ساخته باید در مقام وفاداری و محبت و ادای وظیفه پایمردی کنند "اوفوا بالعقود" ولی آنها از محبت خدا محرومند. اینان در این معامله و تجارت زیانکارند. سرمایه وجودشان دچار ورشکستگی شده و غیر قابل جبران است. آری، پروردگار! این لطف تو بود که از خاک پاک عنصر مرا بیافریدی و راضی نشدی که نعمتی را از من دریغ داری. مرا از انواع وسایل و لذتهای گوناگون بهره ورم فرمودی. اگر به درگاهت دست به دعا برداشتم اجابت می کردی و اگر و اگر... .

ای که نعمات بس عظیم و بیکران! کدامیک از نعمتهایت را می توان در شمارش و آمار در آورم یا کدامیک از عطایات را می توانم شکر گویم. شهادت می دهم نعمات بی کران است. پروردگار! اگر در طول قرون و اعصار زنده بمانم و بکوشم تا شکر یکی از نعمات تو را بجا آورم نتوانم مگر باز هم توفیق تو رفیقم شود، آن خود، شکر دیگر نیاز دارد.

در دعا ده بار گفتیم "یا الله" بعد می گوئیم "یا رب" و در آخر می گوئیم "رب" یعنی دیگر جای برای "ندا" نیست، "یا" حرف ندا ست، آنگاه که انسان کسی را از دور صدا می زند. وقتی نزدیک شد حرف ندای یا را می اندازیم. ادب دعا می گوید ابتدا چندین بار: "یا رب"، بعد "رب، رب" در اینجا "ندا" به "بخدا" تبدیل می شود، و "منادات" به "مناجات". وقتی منادات به مناجات تبدیل شد، آهسته سخن گفتن شروع می شود، نوبت به نجوا که رسید، انسان احساس تقرب می کند، چرا که خود را در محضر خدا می بیند.

این بود قسمتی بسیار کوتاهی از بندی از دعای عرفه که امام حسین «علیه السلام» در عرفات آن را زمزمه می کردند و همه اطرافیان گوش به دعای او داده و با صدای بلند گریه می کردند و آمین می گفتند. آهسته آفتاب حجاز در پشت کوههای عرفات غروب می کند و امام «علیه السلام» با شاگردان خود آهسته از دامنه کوه پایین می آیند و دشت عرفات را بسوی مشعر الحرام ترک می گویند.

خوشا بحال کسی که پس از غروب عرفه که از گناهان پاک شود و بار دیگر گناه نکند. امام صادق «علیه السلام» فرمود: "هنگامی که روز عرفه به پایان انجامید و شب فرا رسید، فرشتگان به دوش انسان زده و می گویند "ای زائر خانه خدا گذشته های تو بخشیده شد، مواظب باش که در آینده، چگونه ای؟!... (17) سلام بر کسانی که غروب عرفه را در عرفات درک کرده، و به جایی رسیده اند که بفرموده رسول خدا خداوند فرشتگان را برای بخشش خود گواه گرفته و می فرماید: "اشهد کم انی قد غفرت لهم. (18)

- (1) جوادی آملی - عبدالله: عرفان حج، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، نشر مشعر، چاپ اول؛ شریعتی علی: تحلیلی از مناسک حج، ج 6، سال 1371، ص 96 و 191
- (2) فتلقى ادم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحيم " بقره، 37
- اصفهانی - راغب: المفردات، ص 331، بنقل از نگرش اجتماعی به کعبه و حج از دیدگاه قرآن، سید محمد حسین کشکوئیه، چاپ سپهر، ص 278 ؛ بحرینی - علامه سید هاشم: تفسیر البرهان، چاپ دوم، ج 1، ص 86، بنقل از "دعای عرفه" با ترجمه تصویری و تفسیری عبدالکریم بی آزار شیرازی، نشر فرهنگ اسلامی، ص 2 و 3 ؛ ادعیه و آداب حرمین، تدوین و نشر معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری، چاپ اول، بهار 1374، ص 441
- (3) همان منبع
- (4) کنز العمال، جلد 5، ص 13، بنقل از کتاب حج، قرائتی - محسن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ 4
- (5) مستدرک الوسائل، جلد 2، ص 168، وافی، جلد 2، ص 45، من لا یحضر الفقیه، ج 2، بنقل از همان منبع
- (6) بحار الانوار، ج 99، ص 264، بنقل از همان منبع
- (7) همان منبع، ص 293
- (8) جوادی آملی - عبدالله: صهبای صفا، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج، ص 85
- (9) همان منبع، ص 85 و 86
- (10) قرائتی - محسن: حج، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم
- (11) همان منبع
- (12) همان منبع
- (13) دعای عرفه، ترجمه تفسیری و تصویری عبدالکریم بی آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ 11
- (14) برائت در عرفات، میقات حج، پاییز 75، شماره 17
- (15) فصلت، 53
- (16) ق، 16
- (17) وافی، جلد 2، باب حج، ص 45
- (18) مجلسی : بحار الانوار، جلد 99، ص 49